فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹٤، ص ۱۵۷- ۱۸۰

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۱۰۷

بیداری اسلامی و شکل گیری هندسه جدید خاورمیانه

محمد رضا دهشیری[۱]
دانشیار علوم سیاسی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه (نویسنده مسئول)
اسماعیل مقامی[۲]
دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۱۰/۲۵ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹٤/۱۲/۱۳**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

با گسترش موج بیداری اسلامی در سرتاسر منطقه خاورمیانه، معادلات سیاسی و استراتژیک خاورمیانه دچار دگرگونی اساسی شده‌است و هندسه جدید قدرت در این منطقه در حال شکل گرفتن است. به موازات نقش بازیگران دولتی در چشم انداز جدید خاورمیانه، رشد و نفوذ گروه‌های غیردولتی که با بهره گیری از توان عملیاتی و ظرفیت بازیگری خودشان معادلات قدرت بین دولتی را در منطقه به شدت تحت تاثیر قرار داده اند، جایگاه مهمی در زیست سیاسی خاورمیانه پیدا کرده‌اند که باعث شده است دولت‌های رقیب از آنها برای پیشبرد اهداف خود استفاده کنند. این مقاله درصدد نشان دادن این مسئله می‌باشد که چگونه چشم انداز جدید خاورمیانه با غالب شدن گفتمان اسلام سیاسی و برجسته‌تر شدن بازیگران غیردولتی دچار دگرگونی بنیادین و اساسی شده‌است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، بازیگران غیردولتی، فرقه‌گرایی، جنگ‌های نیابتی، پویش‌های منطقه‌ای

1. mohammadreza_dehshiri@yahoo.com
2. dr.es.maghami@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

مقدمه

پیش‌بینی مسیر سیاست بین‌الملل که بر خلاف دوران گذشته از الگوهای مشخصی در نظام بین‌الملل تبعیت می‌کرد، با دشواری فراوانی مواجه بوده‌است. مشخصه سیاست بین‌الملل در عصر جدید پیامدهای ناخواسته، اثرات ناشی از کنش متقابل کشورها، پیچیدگی پویش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است که می‌تواند مسیر کاملا متفاوتی را برای آن باز کند. تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه که سپهر سیاسی و استراتژیک منطقه را کاملا دگرگون ساخته‌است، می‌تواند براستی پیچیدگی پویش ها و دینامیسم‌های موجود در سطح نظام جهانی را نشان دهد.

نگاهی عمیق به منطقه خاورمیانه نشان دهنده این امر است که این منطقه در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود از توانایی لازم برای برخورداری از نظم گفتمانی و نهادینه شده برخوردار نبوده‌است. در هر دوره‌ای از تاریخ نظام جهانی، نقشه سیاسی و استراتژیک خاورمیانه تحت تاثیر دخالت قدرت‌های بزرگ دچار تغییرات بنیادین شده‌است. برای بیش از دو قرن گذشته این منطقه نسبت به سایر مناطق موجود در نظام بین‌الملل، در معرض سیاست‌های قدرت‌های بزرگ بوده‌است. این تجربه سیاسی مشخص بنیان بسیاری از رفتارها و کنش‌های موجود در این منطقه شده‌است که از شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای نیز جلوگیری کرده‌است.

اگرچه پایان جنگ سرد، انقلاب اسلامی ایران و بالاخص حادثه ۱۱ سپتامبر باعث شکل‌گیری نیروهای جدید در منطقه و دگرگونی در سپهر سیاسی و امنیتی خاورمیانه شد، اما آنچه در سال‌های اخیر تحولات خاورمیانه را وارد چشم‌انداز جدیدی نموده و آغاز و فرجام دگردیسی‌ها را برای غالب ناظرین و بازیگران منطقه‌ای و جهانی غیر قابل پیش‌بینی ساخته، جنبش‌های اجتماعی در شمال آفریقا و خاورمیانه از زمستان ۲۰۱۱ بوده‌است. تحولات اخیر را باید فرایندی ورای انتظارات و برنامه‌ریزی کنشگران ریز و درشت قلمداد کرد که واجد بسترهای متنوع داخلی و خارجی است و پیامدهای به غایت پیچیده‌ای برای منافع، جایگاه و کنشگری آینده قدرت‌های سطح منطقه و نظام خواهد داشت.

جنبش‌های اجتماعی در منطقه خاورمیانه، به‌وضوح نشان‌دهنده شکل‌گیری نظم منطقه‌ای جدید و نقشه سیاسی و استراتژیک نوین خاورمیانه می‌باشد که با اتخاذ رویکردهای سنتی، تبیین تحولات آن امکان‌پذیر نیست. هندسه جدید خاورمیانه با تاثیرپذیری از پویش‌ها و دینامیسم‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای البته در توان گفتمان‌سازی ایران در سطح منطقه و تاثیر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

گذاری آن بر معادلات استراتژیک در کنار توان عملیاتی و ظرفیت بازیگری گروه‌های غیردولتی نشان‌دهنده چشم‌انداز تغییر بلندمدت در هندسه و نقشه سیاسی و استراتژیک خاورمیانه می‌باشد. باوجود آنکه بسیاری از بازیگران غیر دولتی اسلامی که در اکثر موارد مسلح هستند، از طرف دول غربی به عنوان گروه‌های تروریستی شناخته می‌شوند، اما در عمل قدرت و نفوذ این گروه‌ها در سال‌های متمادی به گونه‌ای بوده که منافع بازیگران دولتی و معادلات قدرت بین دولت‌های رقیب را تحت تاثیر قرار داده‌است. به نظر می‌رسد در هندسه جدید خاورمیانه، از یک طرف ماهیت و گفتمان انقلاب اسلامی ایران -که بیشتر خود را در قالب هویت‌گرایی اسلامی متبلور کرده‌است- باعث به چالش کشیدن گفتمان‌های لیبرال و سکولار در منطقه شده و سپهر سیاسی و استراتژیک منطقه را به‌شدت دچار دگرگونی کرده‌است؛ از طرف دیگر، نیاز به ابزارها و شیوه‌های جدید را برای درک و تحلیل معادلات سیاسی و امنیتی منطقه اجتناب ناپذیر نموده است.

فرضیه اصلی این مقاله بر این امر استوار شده‌است که گسترش و بازتاب یافتن ارزش‌ها و آمال جهانی مانند حقوق شهروندی و دمکراسی خواهی در تشکل‌های مردمی منطقه و افزایش نقش بازیگران غیردولتی و کم‌رنگ شدن اثرگذاری روندهای سنتی حاکم بر مناسبات قدرت‌های عمده در خاورمیانه، باعث ناکارمدی رویکردهای سنتی در تبیین تحولات و پیکربندی نوین استراتژیک منطقه شده‌است. برای فهم این مسئله در ابتدا به زمینه‌های پیدایش جنبش‌های اجتماعی و روایت‌های مختلف شکل‌گرفته درباره آن پرداخته خواهدشد و در ادامه، به چشم‌انداز جدید خاورمیانه پرداخته می‌شود و این موضوعات مطرح می‌شوند که واردشدن بازیگران غیردولتی و تاثیرگذاری بر روندهای سیاسی منطقه، سپهر سیاسی و استراتژیک منطقه را به شدت تحت تاثیر قرار داده و ناکارامدی ابزارهای سنتی تحلیل را در پیش‌بینی و تبیین تحولات منطقه آشکار ساخته‌است.

۱- جنبش‌های اجتماعی خاورمیانه: دلایل و زمینه‌ها

در سرتاسر منطقه خاورمیانه، خیزش‌ها و اعتراضات دلایل مختلفی داشته‌است. در تحلیل حوادث منطقه باید به تاثیر شباهت ساختاری کشورها در تکرار و تداوم دگرگونی‌ها از یک سو، و نقش‌آفرینی تفاوت‌های آنها در تغییر جهت دادن مسیر یا به تاخیر انداختن

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

دگردیسی‌های سیاسی و اجتماعی توجهی عمیق کرد تا در پرتو آن به فرصت‌ها و چالش‌هایی که هندسه جدید خاورمیانه برای بازیگران راهبردی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوجود می‌آورد پرداخته‌شود.

بخشی از عوامل دگرگونی در منطقه خاورمیانه داخلی بودند و ریشه در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داشتند. دلیل اول، که در بسیاری از این کشورها شایع بود، مسائل اقتصادی و به تعبیری دست‌یابی به کار و نان بود (Noueihed and Warren, 2012:p36). کشورهای عربی منطقه و شمال آفریقا، با نرخ بالای بیکاری مواجه بودند. این بیکاری ساختاری می‌تواند با موضوعاتی نظیر بالا بودن نرخ رشد نیروی کار، مناسب نبودن مهارت‌های کاری مناسب در جانب عرضه و تقاضا، پایین بودن حداقل دستمزدها و بزرگ بودن بخش اقتصاد دولتی ارتباط داشته باشد. اگرچه نظام‌های اقتصادی کشورهای عربی در طی سال‌های اخیر رشد یافته‌بودند، اما درآمد حاصل از این رشد هیچ چیزی عاید اکثریت مردم نکرده‌بود و در مقابل موجب تراکم ثروت در دست عده‌ای قلیل گردیده‌است. شاید یکی از دلایلی که باعث شد مشکلات اقتصادی این دسته از کشورها تشدید شود، بحران اقتصادی در سطح جهانی بود. باتوجه به اینکه ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان به آمریکا اختصاص دارد، هرگونه بحران در اقتصاد این کشور، به شکل‌های مختف سایر کشورها را تحت تاثیر قرار خواهد داد. این بحران در اقتصاد جهان به شکل‌های مختلفی خود نمایی کرده و در حوزه‌های مختلف درآمدی (همانطور که در مصر اتفاق افتاد)، تامین منابع مصرفی و غذایی اقتصاد کشورها تاثیرگذار بوده است.

دلیل دیگر برای شکل‌گیری این جنبش‌ها، نبود آزادی و دموکراسی و در نتیجه فساد آشکار در این جوامع بود. تحولات اخیر از یک طرف نشانگر چالش‌های ساختاری منطقه‌ای از فقدان آزادی‌های سیاسی و اقتصادی، پاسخگویی، اصلاحات در حکومت و نیاز به افزایش برابری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد و از جانب دیگر، نشانگر فقدان آزادی‌های سیاسی و دموکراسی است که باعث فساد فراگیر، عدم شفافیت و باندبازی شده‌است (ME-NA-OECD investement Programe, 2011:p8). جهت‌گیری حوادث اخیر در منطقه خاورمیانه عربی در جهت دست‌یابی به دموکراسی و حقوق بشر بود. باوجوداینکه نوع نگرش و تفسیر مردم نسبت به مفاهیمی مانند دموکراسی و حقوق بشر در جوامع دستخوش تغییر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

ممکن بود نسبت به کشورهای غربی باهم تفاوت داشته باشد، اما فرایند دمکراسی‌سازی در دنیای عرب اجتناب‌ناپذیر بود. آزادی و دموکراسی یکی از مفاهیم اصلی و دلایل مهم شکل‌گیری جنبش‌های عربی منطقه بوده‌است.

بخش دیگری از دلایل در ارتباط با گسترش روندها و آثار جهانی‌شدن در منطقه خاورمیانه و بالاخص گسترش فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی بوده‌است. تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، از مهم‌ترین عوامل تغییرات اجتماعی در چند دهه اخیر بوده‌اند (Webster,2001:p3).

تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه عربی بار دیگر بر اهمیت رسانه‌های اجتماعی در شکل‌گیری حوادث و تحولات سیاسی و اجتماعی افزوده‌است. تکنولوژی‌های دیجیتالی این امکان را برای افراد پراکنده در این دسته از جوامع فراهم نمودند تا با استقرار شبکه‌های ارتباطی و ساختن پلت‌فرم‌هایی برای لابی‌گری و انتشار اخبار و اطلاعات در انظار عمومی، که خارج از کنترل حکومت بود، موجد تغییرات سیاسی و اجتماعی شوند)متقی، ۱۳۹۰:صص۱۲۹-۱۲۸).

در واقع گسترش روندها و آثار جهانی‌شدن مانند توسعه ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی و نفوذگذاری بر عرصه‌های سیاسی و اجتماعی خاورمیانه موجب تغییر در نوع و ماهیت مطالبات مردم شده‌است. جنبش‌های اجتماعی ۲۰۱۱ در منطقه خاورمیانه عربی و شمال آفریقا نشان‌دهنده تضعیف هویت‌های ملی و منطقه‌ای در خاورمیانه و بازتاب یافتن ارزش‌ها و خواسته‌های جهانی مانند حقوق شهروندی، دمکراسی‌خواهی، رفاه اقتصادی و آزادی بیان در تشکل‌ها، جنبش‌ها و نهادهای مردمی خاورمیانه است که در پرتو دینامیسم‌ها و پویش‌های صورت‌گرفته در سطح نظام جهانی و بالاخص جهانی‌شدن قابل درک خواهدبود.

۲- تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر موج بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه:

بی‌شک از مهم‌ترین بازیگران هویت‌ساز و تاثیرگذار در منطقه خاورمیانه دولت جمهوری اسلامی ایران بوده‌است. به تعبیر گابریل بندور، ایران تنها دولت اسلامی واقعی در جهان اسلام است که بر پایه ارزش‌های اسلامی قرار دارد و توانایی مدیریت یک دولت مدرن بر پایه اسلام را دارد. این امر باعث ترویج این ایده نیز شده‌است که مدل دولت اسلامی می‌تواند به عنوان بهترین آلترناتیو در مقابل دولت‌های استبدادی و توتالیتر قرار گیرد.

شکل‌گیری گفتمان اسلام سیاسی در فرایند انقلاب اسلامی و متعاقب آن در کشورهای اسلامی، جنبشی فرهنگی-دینی است که نسبت به فرسایش هویت و امنیت از خود واکنش

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

نشان می‌دهد و با در نظر گرفتن گونه‌های مختلف از اسلام سیاسی، درصدد ارائه رویکردی ایجابی و سازنده از حکومت دینی است. شاید یکی از مبانی مخالفت با جمهوری‌اسلامی ایران و هراس از افزایش نفوذ ایران در منطقه نیز، توان گفتمان سازی جمهوری اسلامی ایران است (Akhavi,1987:p132).

جنبش‌های اجتماعی اخیر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نشان‌گر تاثیرپذیری آنها از گفتمان انقلاب اسلامی بوده‌است. شاید بتوان طرح ام‌القرای اسلامی در اوایل انقلاب را حرکت و تلاشی برای مرکزیت بخشی گفتمان هویتی انقلاب اسلامی در جهت تحرک‌بخشی به جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی، آزادی‌بخشی و ملی تلقی کرد. در واقع به واسطه پیروزی انقلاب برآمده از مذهب و احیای نقش دین در ساختار سیاسی موجی از تجدید حیات اسلامی در کشورهای دیگر به وقوع پیوست، به‌طوری که متفکرانی مانند اقبال لاهوری، ایران را راه قرارگاه آینده حرکت اسلامی معرفی نمودند (لاهوری،۱۳۵۸:ص۷۶).

انقلاب اسلامی در چارچوب هویت‌گرایی اسلامی، زمینه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی این جنبش‌ها را فراهم آورده‌است. انقلاب اسلامی ایران از یک طرف با ماهیت دینی، آزادی‌خواهانه، ضداستعماری، ضدسرمایه‌داری، استقلال‌طلبانه و هویت‌خواهی خود باعث ارایه و ترویج عناصر برانگیزاننده‌ای در جنبش‌های سیاسی و اجتماعی خاورمیانه شده‌است (Schwedler,2001:pp1-2) و از طرفی دیگر، اهمیت بازیگران غیردولتی اسلامی در زیست سیاسی خاورمیانه را افزایش داده و به این ترتیب، توانسته معادلات قدرت بین‌دولتی را در منطقه خاورمیانه به شدت تحت تاثیر قرار دهد.

در مجموع، سه ادله توسط تحلیل‌گران مختلف غربی مطرح شده که عنوان بیداری اسلامی را به چالش کشیده‌است. دلیل اول به این مسئله بر می‌گردد که جریانات و احزاب اسلام‌گرا از قوی‌ترین گروه‌های سیاسی در منطقه هستند که سابقه سازمانی و تشکیلاتی منسجم‌تری نسبت به سایر احزاب و جریانات سیاسی دارند و لذا جریان‌های اسلام‌گرا علی‌رغم اینکه نقش برجسته‌ای در تحولات اخیر نداشته‌اند، اما با فرصت‌طلبی و بهره‌گیری از انسجام سازمانی سعی داشتند الگوی اسلامی و ایدئولوژیک را در جوامع پیاده کنند. می‌توان در این زمینه به اخوان‌المسلمین در مصر (۱۹۲۸)، سوریه (۱۹۳۰) و النهضه در تونس (۱۹۸۱) اشاره کرد.

دلیل دوم که این دیدگاه (بیداری اسلامی) را به چالش خواهدکشید، کاهش میزان نقش

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

مذهب و شریعت در امور سیاسی و اجتماعی جهان عرب خواهدبود. نظرسنجی که در سال ۲۰۰۵ موسسه گالوپ در مورد آزادی مذهب در سه کشور مصر، تونس و مراکش انجام داده نشان می‌دهد که به ترتیب، در مصر ۷۰ درصد، در تونس ۹۵ درصد و در مراکش ۷۵ درصد با آزادی مذهب موافق بودند. این امر نشان‌گر آن است که همه شهروندان می‌توانند از هر مذهبی که خودشان انتخاب می‌کنند و آزادانه به رویه‌های آن پای‌بند هستند، اطاعت کنند. این نتایج با اندکی تغییر در سال ۲۰۱۰ نیز تکرار شده‌است. نتایج به‌سختی می‌تواند گرایش به سمت یک حکومت صرفا مذهبی در هر سه کشور را نشان دهد (Muasher, 2014:p53).

دلیل سوم که جریان اسلام گرایی را در منطقه خاورمیانه عربی به چالش خواهد کشید، توجه به منطق نتیجه‌گرایی خواهدبود. نگاهی به ریشه‌های اصلی جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه عربی نشان می‌دهد که تحولات ۲۰۱۱ در جهان عرب، بیان‌گر سطوح مختلفی از ناکامی‌ها بوده است. آگاهی طبقاتی در میان سرخوردگان جامعه روبه فزونی گرفته بود. حتی بسیاری از تحلیلگران وقوع یک انفجار را در مصر پیش‌بینی کرده‌بودند (Sariolgha-lam, 2013:p123). باوجوداینکه هیچ‌گونه پیش‌شرط ساختاری برای ظهور این جریانات در جهان عرب وجود نداشته‌است، اما موفقیت کمپین‌های داخلی با بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی در براندازی نظام‌های استبدادی نقش مهمی داشته است (Brownlee and p30 :Reynolds,2013).

آنچه که در این میان مهم است تاثیر قوام‌بخش انقلاب ایران در تکوین و تقویت گروه‌های اسلامی سیاسی و گفتمان انقلابی است که بازیگران متضاد و مخالف را در امتداد جنبش‌های اجتماعی غیردولتی و فرادولتی متنوع سامان‌داده‌است. بنابراین در تحلیل معادلات قدرت در هندسه جدید خاورمیانه و در تخمین روندهای آتی دگرگونی در این منطقه باید از صرف بررسی هدف و کنش بازیگران دولتی فراتر رفت و به ارزیابی نفوذ و دامنه فعالیت گروه‌های غیر دولتی و سازمان‌های مستقل یا نیمه مستقل از دولت پرداخت. در این میان گفتمان اسلام سیاسی برگرفته از انقلاب ایران محرکی برای بسیاری از این گروه‌ها بوده‌است.

۳- هندسه در حال تغییر خاورمیانه:

نقشه جدید خاورمیانه بعد از تحولات مرتبط با بیداری اسلامی دچار تغیرات بنیادین و اساسی شده‌است. ضعف رویکردهای سنتی در تبیین و تحلیل تحولات منطقه و اتخاذ رویکردهای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

جدید برای فهم تحولات خاورمیانه از اهمیت دوچندانی برخوردارشده‌است. اگرچه به تعبیر یوسف کوربیگ و امانوئل تود، چشم‌انداز جدید خاورمیانه در چند دهه اخیر به لحاظ فرهنگی و اجتماعی دچار تحولات عمیقی شده است (Todd and Courbage,2007:p25)، اما دگرگونی‌های جدیدی در منطقه ورای پیش‌بینی بازیگران خرد و کلان صورت گرفته که بر پیچیدگی‌های این منطقه افزوده‌است. به نظر می‌رسد که تحلیل حوادث منطقه مستلزم گذار از الگوهای سنتی تحلیل روابط دولت و ملت است. در تحلیل هندسه در حال تغییر خاورمیانه اهمیت بیشتری باید به کنش‌گرایی استراتژیک بازیگران غیر دولتی داده‌شود. سیاست خاورمیانه امروزه الزامات بیشتری برای حضور و نفوذ بازیگران غیردولتی در کنار نقش‌آفرینی پر رنگ دولت و نهادهای دولتی فراهم آورده‌است. این مسئله از این منظر که قدرت و نفوذ آنها بر منافع بازیگران دولتی و معادلات قدرت بین دولت‌های رقیب تاثیر گذاشته و حتی بازیگران فرامنطقه‌ای در پی بهره‌گیری از ظرفیت بازیگری و توان عملیاتی آنها هستند، بر اهمیت آنها در شکل‌دهی به هندسه جدید خاورمیانه افزوده‌است. لذا در این بخش در ابتدا به جایگاه بازیگران غیردولتی در معادلات قدرت منطقه در پرتو تحولات بیداری اسلامی و سپس به نقش گفتمان اسلامی در شکل‌دهی به سپهر جدید سیاسی و استراتژیک خاورمیانه پرداخته‌خواهدشد.

۱-۳- قوام قطب‌بندی ایدئولوژیک در خاورمیانه:

اگر با این گفته گلن پری موافق باشیم که خاورمیانه در جهانی از قدرت نامتوازن قرار گرفته‌است (Perry,2014:p8)، به همان اندازه می‌توان صف بندی‌های ایدئولوژیک در این منطقه را امری طبیعی و برگرفته از مختصات تاریخی آن دانست. هیچ شکی در این زمینه وجود ندارد که قوام شکل‌بندی‌های مختلف ایدئولوژیکی در این منطقه در ارتباط مستقیم با اضمحلال امپراطوری عثمانی بوده‌است. اگرچه رویه‌ها و اصول مشترک حکومت‌داری عثمانی، نظم گفتمانی و نهادینه شده را در منطقه خاورمیانه بوجود آورد(Lawson.2006:p9) اما به‌محض فروپاشی آن و بالاخص بعد از تحولات دو جنگ جهانی نیز علی‌رغم اینکه بسیاری از کشورهای خاورمیانه به استقلال رسیدند اما هیچ گونه همگونی میان مرزهای دولتی با واقعیت‌های جغرافیایی و انسانی وجود نداشت و به تعبیری منطقه خاورمیانه با بحران هویت روبرو شد و زمینه برای شکل‌بندی ایدئولوژی‌های مختلف در این منطقه فراهم

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

شد. در واقع در همین دوره بود که انقلاب پان‌عربیسم یا ناسیونالیسم عرب شکل گرفت. پان عربیسم در واقع واکنشی به امپریالیسم و الیگارشی بود که ناتوان از رویارویی با نیروهای استعمارزدایی جهانی بودند. جنبش‌های پان‌عربیسم باعث آزادسازی نیروهای جدید در منطقه خاورمیانه عربی شد (Hinnebusch,2014:p138).

آنچه که مسلم است، پان‌عربیسم به لحاظ ذاتی با وجود دولت‌های منفعت‌محور که به لحاظ سرزمینی محدود شده‌اند، ناسازگار بود. ناسیونالیسم عرب بر خلاف ناسیونالیسم اروپایی که ذاتا سکولار بود، بر روی عنصر عربیت و اسلامیت تاکید داشت و نتوانسته‌بود عنصر مذهب را کنارگذارد. لذا به‌همین دلیل بر خلاف اروپا یا بسیاری از جوامع که ناسیونالیسم منجر به پدیده دولت–ملت می‌شود، در خاورمیانه منجر به برقراری دمکراسی و پلورالیزم نشود (درایسدل و بلیک،۱۳۶۹:ص ۳۱۱). با افول پان‌عربیسم که در پی مذاکرات شکست خورده ناصر با عراق و سوریه و بالاخص جنگ شش‌روزه اعراب و اسراییل رقم خورد، گفتمان اسلام سیاسی با پیروزی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت که در فرایند بیداری اسلامی نقش پررنگ خود را نشان داده‌است.

گفتمان اسلام سیاسی با تاکید بر عمل اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی و پویایی تعابیر و تفاسیر اسلامی، دربردارنده گرایشی به تفسیر مجدد آموزه‌های مذهبی است و درصدد ایجاد دستورالعملی برای استقرار نظم سیاسی جدیدی است (Tibi,2003:p162). بنابراین رشد اسلام سیاسی در طی سال‌های اخیر نشات گرفته از گسترش فرصت‌های آموزشی و افزایش دسترسی مردم به امکانات جدید، اهمیت یافتن انتخابات منظم و همه‌پرسی در اندیشه‌های تحلیل‌گران مسلمان، بهره‌گیری از عناصر و مولفه‌های فرهنگی و از منظر خارجی، رفع استیلای هژمونیک نیروهای خارجی، کاهش وابستگی و افزایش توان داخلی، دستیابی به موفقیت‌های اقتصادی می‌باشد.

گفتمان اسلام سیاسی بروزیافته در فرایند انقلاب اسلامی ایران، با نقد گفتمان‌های پیشین و بحرانی دانستن عناصر و دقائق آنها درصدد ارائه یک گفتمان بدیل هویتی برآمده که با تاکید بر مولفه‌هایی نظیر استقلال، آزادی، حاکمیت الهی–مردمی و ظلم‌ستیزی، الهام‌بخش جنبش‌های اجتماعی در سرتاسر جهان شده‌است (نظری،۱۳۸۷ص۶۷). لذا در تحلیل هندسه جدید خاورمیانه، نباید از تاثیر گفتمان اسلام سیاسی بر معادلات استراتژیک منطقه چشم‌پوشی کرد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

۲-۳- اهمیت یافتن بازیگران غیردولتی در معادلات قدرت دولتی در خاورمیانه:

از جمله بازیگران سیاست بین‌الملل که نقش فزاینده‌ای در کنار بازگیران رسمی دولتی ایفاء می‌کنند، گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مردم‌نهاد هستند که می‌توانند با گسترش فعالیت خود از طریق یارگیری در سطح جوامع، حوزه عمل دولت‌ها را محدود سازند. یکی از ویژگی‌های سیاست خاورمیانه حضور بازیگران غیر دولتی در کنار نقش‌آفرینی دولت و نهادهای دولتی می‌باشد. در هندسه در حال تغییر خاورمیانه و بالاخص در جریان تحولات سیاسی ۲۰۱۱، تاثیرگذاری آنها و حمایت دولتی از اقدامات و کنشگری آنها مشاهده شد (رستمی ،۱۳۹٤،ص ۳۵). در این میان مرزبندی گروه‌های اسلامی شیعه با سازمان‌های اسلامی سنی و نقش آن در آرایش قدرت و موازنه قدرت بین بازیگران مهم و تاثیرگذار مانند ایران، عربستان و ترکیه بسیار مهم می‌باشد. لذا در تبیین مسیر آتی شکل‌گیری هندسه جدید خاورمیانه، در این قسمت ابتدا به جایگاه گروه‌های شیعی و سنی در شکل‌دهی به دینامیسم تحولات در سپهر سیاسی و استراتژیک خاورمیانه پرداخته خواهدشد و در ادامه، با بررسی داعش به‌عنوان بازیگر غیر دولتی مهم در خاورمیانه، جایگاه ایران در نقشه جدید خاورمیانه ترسیم خواهدشد.

۱-۲-۳ جایگاه گروه‌های سنی و شیعه در معادلات قدرت منطقه:

دورنمای تحولات خاورمیانه از مسیر روشن و مشخصی برخوردار نیست. به تعبیر بیل اسپیندل و مارگارت کوکر، جنگ سرد جدیدی در منطقه خاورمیانه در حال شکل گرفتن است که رقابت بر سر تاثیرات ایدئولوژیک و مادی باعث قطب‌بندی خاورمیانه به دو جبهه شیعه و سنی خواهدشد. تشدید تعارضات فرقه‌ای و مذهبی در یمن، سوریه و بحرین(Gengler,2013:pp35-36)و پراکندگی جغرافیایی شیعیان در مناطق مختلف و ایران برآمده از انقلاب اسلامی و روی کارآمدن شیعیان در عراق، احتمال شکل‌گیری نظم جدیدی را در منطقه بوجودآورده‌است که باعث شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌های جدیدی در منطقه خواهدبود (Pelhame,2008:p204).

آنچه که در این میان مشخص است، بعد از تحولات اخیر خاورمیانه، نقش‌آفرینی گروه‌های غیردولتی و پیوندی که میان آنها و بازیگران رقیب منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برقرار شده، چشم‌انداز سیاسی و استراتژیک خاورمیانه به شدت تحت تاثیر قرار گرفته‌است. به‌موازات

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

اهمیت بازیگران غیردولتی در منطقه خاورمیانه و بازتاب یافتن آمال و خواسته‌های توده مردم در تغییر نظام‌های سیاسی که باعث تقویت نفوذ کنشگران پراگماتیک و فراایدئولوژیک بودن رهبران سیاسی شده، همزمان فرصت جدیدی برای تاثیرگذاری برخی از گروه‌های اسلامی غیردولتی و بالاخص گروه‌های شیعه در منطقه فراهم آورده‌است که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جنبه دولتی و پراگماتیک بودن آنها نسبت به گروه‌های سنی متمایزتر شده‌است. آنچه که مرزبندی بین این دو جریان را مشخص تر کرده‌است، نگاه ایدئولوژیک یا پراگماتیک بودن، درجه تحول‌خواه بودن اهداف و نیز ارتباطشان با بازیگران دولتی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌باشد.

در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جهادگری شیعه از پوشش دیپلماتیک برخوردار بوده و با جهادگری سنی که الگویی از تشکیل و عمل غیردولتی را دارد متفاوت بوده‌است. ویژگی غیرتئولوژیک بودن و تحت حمایت دولت بودن جهادگری شیعه در مقایسه با ماهیت ایدئولوژیک تروریسم سنی که دست به عملیات موردی می‌زند، از جمله تفاوت‌های مهم آنها می‌باشد (LynchIII,2008:P44). در این میان، ظهور نظامی‌گری سنی که تا حدود زیادی واکنشی به انقلاب ایران و تاثیر آن بر سایر کشورها بوده‌است، در تحولات بعد از خیزش‌های عربی، ماهیت خشن، ایدئولوژیک و ضد آمریکایی به خود گرفته که چالش‌های امنیتی برای کشورهای منطقه و غرب بوجودآورده‌است.

برجسته‌تر شدن نفوذ و تاثیرگذاری بازیگران غیردولتی اسلامی در معادلات قدرت بین دولتی در خاورمیانه تاثیر مهمی در شکل‌دهی به هندسه جدید خاورمیانه داشته‌است. ارتباط برخی از گروه‌های اسلامی غیر دولتی با بازیگران منطقه‌ای نقش مهمی در شکل‌دهی به حوادث اخیر خاورمیانه داشته‌است. تنش‌های استراتژیک در منطقه خاورمیانه در سال‌های اخیر با تهدیدات بسیار بزرگتری از قبیل افراطی‌گری گروه‌های سنی، تعارض بین گفتمان شیعی و سنی جایگزین شده‌است. این تغییرات در محیط استراتژیک خاورمیانه با تاثیرگذاری برخی از بازیگران غیردولتی مانند گسترش نقش حزب‌الله، القاعده در شبه الجزیره عربستان، نظامیان شیعه در عراق و برخی از جنبش‌های افراط‌گرایانه سنی مانند جبهه‌النصره، داعش و جبهه خراسان همراه بوده‌است. در مجموع، این بازیگران غیردولتی وضعیت نیروهای موازنه‌دهنده را در مهم‌ترین نقاط تهدیدزای خاورمیانه مانند سوریه، یمن، عراق و تنش‌های

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

جدید لبنان شکل می‌دهند (Cordesman,2015:p15).

نمونه ایفای نقش جدی گروه‌های شیعه در تحولات جدید و دخالت آن در مناسبات قدرت بازیگران دولتی، گروه حزب‌الله لبنان می‌باشد. تحولات سوریه، جایگاه حزب‌الله و واکنش آن به بی‌ثباتی‌های سوریه از جمله موارد مهم در نقش بازیگران غیردولتی می‌باشد. ایده طرح هلال شیعی به طور ضمنی ارتباط برخی از بازیگران دولتی با گروه‌های غیردولتی اسلامی مانند حماس و حزب‌الله را نشان می‌داد. گفتمان هلال شیعی و شیعه هراسی دلایل سیاسی و فرقه‌گرایانه در درون خود داشت. در واقع گفتمان هلال شیعی بر این امر دلالت داشت که ذهن مذهبی مهم‌ترین فاکتور تبیینی برای سیاست یک مسلمان است. این گفتمان شبکه پیچیده فاکتورهای اقتصادی و سیاسی را در روابط بین‌الملل نادیده می‌گیرد، عمل سیاسی را به شکاف‌های مذهبی برساخته تقلیل می‌دهد و باعث تقویت شرق شناسی می‌شود. دراینجاست که فرقه‌گرایی در درون این گفتمان برساخته‌می‌شود (Mahdavi,2014:pp161-16 2).

در این میان، بحران سوریه و پیچیدگی‌های اوضاع این کشور، شکل‌گیری گفتمان ناسیونال–سکولار بر علیه گفتمان اسلام سیاسی و شکل‌گیری جنگ نیابتی در منطقه موجب شده که برخی از بازیگران منطقه‌ای مانند حزب‌الله ضمن حمایت از دولت قانونی بشار اسد و برنامه اصلاحات سیاسی، از دخالت نظامی خودداری کنند. احتیاط و تدبیر حزب‌الله در پرهیز از درگیر شدن در بحران سوریه از یک طرف به دستورکار سیاسی آن در مقاومت در برابر اسرائیل و غرب انجامیده، و از طرفی دیگر از سال ۲۰۰۵ که به عنوان جنبش سیاسی در لبنان مطرح گردیده، توانسته با ورود به پارلمان کشور، اعتبار سیاسی در کنار کارکرد شبه‌نظامی بدست‌آورد (Yacoubian 20112). لذا رقابت حزب‌الله با گروه‌های داخلی لبنان و بی‌ثباتی در این کشور می‌تواند نقش این گروه را به عنوان بازیگر غیردولتی در تحولات سوریه تحت تاثیر قرار دهد. اگرچه حزب‌الله در سال‌های اخیر توانسته‌است جایگاه خود را در داخل لبنان و حتی غیر مسلمانان بهبود بخشد اما افق دگرگونی‌ها در سوریه، اتهامات و تبلیغاتی واهی که توسط رژیم صهیونیستی مبنی بر امکان دسترسی حزب‌الله به سلاح های شیمیایی و یا انتقال موشک‌های حزب‌الله به سوریه در مقابل اعتراضات دولت سوریه مبنی بر قاچاق اسلحه و رخنه القاعده به سوریه از مرزهای لبنان خود را نشان داده‌است (Dakroub,2012)، می‌تواند نقش این بازیگر غیردولتی را تحت تاثیر قرار دهد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

در هندسه در حال تغییر خاورمیانه، رشد نقش بازیگران غیردولتی صرفنظر از وجوه افتراقشان، منجر به ورود برخی از عناصر جدید در توازن بین کشورها شده‌است. لذا الگوی موازنه قدرت دچار پیچیدگی‌های خاصی شده‌است. تداوم حضور و نفوذ بازیگران غیردولتی در زیست سیاسی خاورمیانه و جایگاه این گروه‌ها در موازنه قدرت در خاورمیانه و نگرش بازیگران فرامنطقه‌ای به این گروه‌ها به منظور مدیریت فضای سیاسی و امنیتی منطقه از جمله موارد مهم در شکل‌دهی به هندسه جدید خاورمیانه هستند. یکی از مهم‌ترین بازیگران غیردولتی غیر شیعی که بر معادلات استراتژیک منطقه تاثیر گذاشته، داعش است که در ادامه به آن پرداخته خواهدشد.

۲-۲-۳ داعش:

ابهام در زمینه نسبت فعالیت و اثرگذاری بازیگران غیردولتی در خاورمیانه بویژه زمانی خودنمایی می‌کند که پاره‌ای از بازیگران از طرف جامعه بین‌المللی به منزله بازیگرانی نامشروع شناخته شوند و به صورت رسمی از پذیرش آنها در جرگه کنشگران قانونی در سطح بین‌المللی اجتناب گردد. این وضعیت در ارتباط با گروه‌های افراطی و تروریستی که تهدیدی مخرب علیه ارزش‌های لیبرال دموکراسی و امنیت بین‌الملل می‌باشند و در عداد بازیگران دارای هویت پذیرفته شده قرار نمی‌گیرند خود را نشان داده‌است. اما نکته مهم در این ارتباط آن است که علی‌رغم مرزبندی روشن بین ارزش‌های حاکم بر جامعه بین‌الملل از یک طرف و اهداف گروه‌های افراطی و تروریستی از طرف دیگر، به دلیل ظرفیت بازیگری و توان عملیاتی این گروه‌ها، بهره‌گیری از آنها در بطن استراتژی‌های متباین و ناسازگار دولت‌ها صورت می‌گیرد و همین امر باعث کنار گذاشتن دیدگاه رسمی دولت‌ها نسبت به گروه‌های افراطی و تروریستی می‌گردد. شکل گیری داعش و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن توسط برخی از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را باید در این راستا تبیین کرد. برای فهم پدیده داعش باید آن در سطح کلی‌تر مورد موشکافی قرار داد. لذا برای فهم بهتر این پدیده باید به کالبدشکافی فرقه‌گرایی در هندسه در حال تغییر خاورمیانه پرداخت تا از رهگذر آن به فهم پدیده داعش رسید.

۱-۲-۲-۳ رویکردی نظری به فرقه‌گرایی در منطقه خاورمیانه:

مطالعه فرقه‌گرایی در خاورمیانه جدید نیاز به رهیافت بسیار محتاطانه‌ای دارد. اگرچه نقش

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

گروه‌بندی‌های مذهبی و نژادی در شکل‌دادن به پیامدهای سیاسی منطقه واضح و مشخص است، اما در منطقه خاورمیانه، به ماهیت و کارکردهای فرقه‌گرایی به عنوان یک پدیده سیاسی کمتر توجه می‌شود. کمبود یک چارچوب تحلیلی ذهنی برای مطالعه سیاسی‌سازی هویت‌های گروهی در داخل کشورها، دو مسیر عمده ایجاد می‌کند. مسیر اول گرایش به سمت روایتی از فرقه‌گرایی است که عنصر تبیین در آن وجود ندارد. هویت‌های نژادی و مذهبی از طریق خصومت‌های جمع‌شده، مسولیت‌های مشترک گروهی یا دیگر احساساتی که عمیقا ریشه دوانیده‌است، بر سیاست تاثیر می‌گذارند. این نوع از نگاه به فرقه‌گرایی، بینش عمیقی برای فهم فرایندهای فرقه‌گرایی در اختیار ما نمی‌گذارد. مسیر دوم، نگاه تبیینی به فرقه‌گرایی است؛ اینکه چگونه فرایندهای علی مربوط به این پدیده تحت تاثیر نهادهای اقتصادی و سیاسی جوامع، زمینه را برای تحرک‌پذیری گروه‌های اجتماعی فراهم می‌کند و باعث گسترش فرقه‌گرایی می‌شود. این نگاه تبیینی می‌تواند بر خلاف رویکرد اول، رهنمودهای مهمی را در فهم فرقه‌گرایی در منطقه خاورمیانه فراهم آورد (Gengler, 2014:p33-34).

در منطقه خاورمیانه سه فاکتور مشخص وجود داشته‌است که فرقه‌گرایی را تشدید کرده‌است. اولین مشخصه منطقه خاورمیانه وجود «موضوع فرقه» است. در منطقه خاورمیانه بخش مهمی از هویت‌یابی افراد براساس فرقه، مذهب، قوم و قبیله یا نژاد خاصی بوده‌است. دومین فاکتور، نبود مفهوم دولت–ملت در این منطقه است. وجود دولت ملت و مرزهای مصنوعی آن، هیچ‌گونه تاثیری بر دینامیسم‌های فرقه‌ای در این منطقه نداشته‌است. دلیل سوم، در ارتباط با تعددگرایی در این منطقه می‌باشد. در منطقه خاورمیانه در هر زمانی، هیچ‌گونه تمایل یا محرکه‌ای برای حذف کلی دیگران یا جدا کردن دولت–ملت وجود نداشته‌است. تا زمانی‌که این سه فاکتور در منطقه خاورمیانه وجود دارد، روابط فرقه‌ای از توانایی لازم برای تعدیل شکل دولت–ملت برخوردار خواهدبود، ثبات آن را تهدید خواهدکرد یا روابط اجتماعی سیاسی درون آن را تغییرخواهدداد. با این همه، در چنین مواردی هویت فرقه‌ای آن قدرت لازم را برای تهدید دولت–ملت خودش نخواهدداشت (Haddad,2014:p71-72).

بی شک، فرقه گرایی یک ایده و رویه متعلق به دوران مدرن است. پویش‌های مدرنیزاسیون زمینه را برای ظهور ناسیونالیسم و شکل بدتر آن، فرقه‌گرایی فراهم نموده‌است. پس می‌توان به این جمله مکدیسی استناد کرد که فرقه‌گرایی یک ایده و رویه است که برساخته می‌شود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

برساختگی آن در واقع همان سیاسی‌سازی آن است (Potter,2013:p25) . آنچه که امروزه در منطقه خاورمیانه، بعد از تحولات خیزش‌های عربی دیده‌می شود، گسترش فرایند گفتمان‌سازی فرقه‌گرایی در این منطقه است که خیزش مرم عرب برای دموکراسی، این زخم کهنه را باز کرده‌است. فرقه‌گرایی در منطقه خاورمیانه، مسئله‌ای برساخته شده توسط نخبگان حاکم، برای بهره‌برداری‌های سیاسی بوده‌است.

سیمای خاورمیانه جدید بالاخص بعد از تحولات بهار عربی،از پتانسیل بالایی برای فرقه‌گرایی برخوردارخواهدبود. داعش و ظهور ان در خاورمیانه نشانه مشخصی در راستای گسترش فرایند گفتمان فرقه‌گرایی در خاورمیانه است.

۲-۲-۲-۳- داعش و تروریسم تکفیری:

بازیگر جدید غیردولتی که نگاه بازیگران دولتی، ثبات و امنیت منطقه را تحت تاثیر قرار داده است و ظهور آن، نقطه عطفی در شکل‌دهی به مقوله امنیت و ثبات بین‌دولتی در خاورمیانه تلقی می‌گردد، داعش است. این بازیگر غیردولتی ضد شیعی مورداستفاده بازیگران رقیب و دشمن ایران قرار گرفته و در راستای مبارزه با گفتمان اسلام سیاسی و بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه می‌باشد. ائتلاف خزنده غرب با رژیم‌های مرتجع عرب در تحولات سوریه علیه ایران و گفتمان اسلامی که برخی از آن به عنوان جنگ نیابتی نام می‌برند(Rieger,2014:p16)، بوضوح ظرفیت این بازیگر دولتی را در راستای منافع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نشان می‌دهد که در شکل‌دهی به سپهر اینده سیاسی و استراتزیک خاورمیانه نقش اساسی ایفا خواهدکرد.

رشد ناگهانی دولت اسلامی در اواخر ۲۰۱٤ و نیمه اول ۲۰۱۵ تغییرات اساسی و بنیادینی در محیط استراتژیک خاورمیانه بوجود آورده‌است. به موازات رشد نفوذ و بازیگری داعش، برخی از بازیگران منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای با بهره‌گیری از ظرفیت این بازیگر غیردولتی سعی کرده‌اند به تقویت مواضع خودشان و تضعیف رقبای خود بپردازند. از این منظر، ظهور داعش و خطر عامی که برای منطقه ایجاد می‌کند، می‌تواند فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای بازیگران منطقه‌ای ایجادکند. در طی ماه‌های گذشته حمایت برخی از کشورهای مرتجع عرب از این بازیگر غیردولتی از قبیل، حمایت‌های مالی، نظامی و اطلاعاتی ترکیه، عربستان و قطر زمینه‌ساز استمرار و تداوم آن در عراق و سوریه بوده‌است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

تحولات پیچیده سوریه که در آن هیچ‌گونه علامتی بر یک محیط استراتژیک پایدار دیده نمی‌شود، بازیگری کنشگران دولتی و غیردولتی را تحت تاثیر قرار داده‌است. ائتلاف محور مرتجع عرب که برخی از عناصر گفتمان سکولار–ناسیونال مانند ترکیه نیز دیده می‌شود بر علیه ائتلاف محور مقاومت باعث چالش‌های استراتژیک بین بازیگران رقیب در سوریه شده و ائتلاف‌های منطقه‌ای را تحت‌تاثیر قرارداده‌است (قربانی ۱۳۹۲). درحالی‌که در شرایط پیش از بروز تحولات در سوریه، نوعی همکاری و هماهنگی بین ایران، ترکیه و سوریه در مورد اقلیت کرد وجودداشت، پس از ملتهب‌شدن سوریه و حمایت آنکارا از مخالفان بشار اسد و نزدیکی دولت ترکیه به کردهای عراق، جبهه‌ای متشکل از دولت ترکیه، کردهای عراق و مخالفان دولت سوریه در برابر دولت ایران و سوریه و تا حدودی کردهای سوریه شکل گرفت (Cagaptay,2012:p9). آنچه که برخی جنگ نیابتی بین ایران و ترکیه در سوریه می‌نامند، حاکی از همین صف‌بندی‌های استراتژیک بازیگران دولتی به موازات کنشگران غیردولتی بوده‌است.

لذا به نظر می‌رسد که به لحاظ پیوندی که میان اهداف بازیگران رقیب با برخی از گروه‌های تروریستی مانند داعش وجوددارد و دامنه فعالیت و توان یارگیری دولت اسلامی از نقاط مختلف جهان صرفنظر از اختلاف‌نظرها درباره حمایت از این گروه می‌توان تداوم حیات آن را برای مدت‌ها در منطقه خاورمیانه امری طبیعی دانست.

۳-۳ هژمونی ایران و گفتمان اسلام سیاسی در نقشه جدید خاورمیانه:

شکل‌گیری هندسه جدید خاورمیانه، بوضوح ناکارامدی رویکردهای سنتی و بالاخص لیبرال را در پیش‌بینی و تحلیل حوادث منطقه نشان‌داده‌است. از این منظر نگاه سنتی به رقابت قدرت، موازنه قدرت و تغییر ترتیبات امنیتی کفایت نمی‌کند و باید عوامل و متغیرهای جدیدی را وارد تحلیل کرد و وزن گفتمان‌های رقیب را مورد ارزیابی قرار داد. نگاهی تازه به کشمکش ایدئولوژی‌های رقیب بعد از تحولات اخیر نشان می‌دهد که گفتمان اسلام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی ایران در چارچوب کنش متقابل میان کارگزار و ساخت جامعه بین‌الملل رهیافت‌های مختلفی را در اختیار زمامداران قرار می دهد (آقا محمدی،۱۳۹۰:ص۳۳) و با بهره گیری از مکانیسم‌های سازمان‌بخش و هویت‌ساز خود که فراگیر، همگانی و بیگانه‌ستیز است، توانسته جایگاه برتری در قطب‌بندی‌های ایدئولوژیک منطقه به خود اختصاص دهد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

آنچه که مشخص است در پرتو امواج بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه، تحولات ۲۰۱۱ را باید نشانگر بازسازی ساختار قدرت، امنیت و هویت در خاورمیانه دانست. شکل‌گیری گفتمان اسلام سیاسی در فرایند انقلاب اسلامی که نسبت به فرسایش هویت و امنیت از خود واکنش نشان می‌دهد، قابلیت‌ها و فرصت‌های بیشتری نسبت به ایدئولوژی‌های رقیب برای ورود به عرصه عمومی و کنشگری پراگماتیک داشته‌است. به تعبیر پروفسور یحیی و سیمون نوین با ذکر شواهدی از ایستارها و امواج تولیده شده در شمال آفریقا مانند اعتقاد به برتری شریعت اسلامی، جهت‌گیری‌های ضدآمریکایی و ضداسرائیلی، بیداری جهانی اسلامی را می‌توان ناشی از توان گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی ایران در عرصه جهانی دانست (Nalado,2012) .

در هندسه در حال تغییر خاورمیانه، که از یک طرف ظرفیت کنشگری بازیگران غیردولتی به موازات تحولات سیاسی جدید گسترش یافته و از طرف دیگر معادلات قدرت بین‌دولتی در حال دگرگونی است، می‌توان رشد و نفوذ ایران را بستر و ظرفیتی برای شکل‌گیری اتحادها و ائتلافات استراتژیک علیه آن کشور دانست. با توجه به این نکته که دگرگونی‌های اخیر منطقه تحت تاثیر انعکاس هویت ملت‌های منطقه در عرصه سیاسی و عمومی و بالاخص هویت اسلامی بوده که باعث به چالش کشیدن گفتمان‌های سکولار شده‌است، لذا برای مقابله با گفتمان اسلامی برخی از بازیگران فرامنطقه‌ای درصد قطب‌بندی جدیدی علیه ایران شدند. بهره‌گیری از رویکرد موازنه‌ساز عرب در منطقه که ایالات متحده دولت عربستان را در برابر ایران قرارداده‌است، نشانه تقابل و رویارویی با برتری ایران در منطقه می‌باشد (RAND,2009).

دینامیسم‌ها و پویش‌هایی که در اثر تحولات بیداری اسلامی در منطقه رخ داده‌است، باعث تقابل اعراب متحد غرب با جمهوری‌اسلامی‌ایران شده‌است. این تقابل، نقشه استراتژیک خاورمیانه را در بلندمدت تعیین خواهد کرد. حداقل در مقام تحلیل و نظر این بحث جدی گرفته‌شده‌است که برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه، تلاش‌هایی برای ایجاد ائتلافی ضمنی میان اعراب و اسرائیل وجودداشته‌است (North,2006). اگرچه تقسیم‌بندی‌ها و رقابت برای نفوذ و قدرت بیشتر یکی از ویژگی‌های اصلی سیاست در خاورمیانه محسوب می‌شود، اما در طی سال‌های اخیر و بالاخص با کاهش نقش ژئوپلتیک بغداد، برخی از تحلیل‌گران خاورمیانه از شروع جنگ سرد جدیدی در خاورمیانه بین دو قطب قدرت ایران و عربستان صحبت به میان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

آورده‌اند که می‌تواند چشم‌انداز تحولات منطقه را تحت تاثیر قراردهد(Rafati,2012:p51). اگر چه رقابت این دو قدرت منطقه‌ای ناشی از تنش‌های ساختاری در مناسبات این دو بازیگر ناشی می‌شود که هر کدام مدعی رهبری جهان اسلام هستند و دیدگاه‌های متفاوتی درباره قبال نظم منطقه‌ای دارند (Wehrey,2009:p2)؛ اما در قالب رویارویی غرب با ایران و گفتمان اسلامی بوده‌است.از دیدگاه غربی‌ها ایران به عنوان نیروی برهم‌زننده ثبات منطقه، حامی تروریسم، ناقض حقوق بشر می‌باشد که در پی گسترش نفوذ خود در بین شیعیان مناطق مختلف جهان می‌باشد (Rafati,2012:p50). شاید به همین دلیل عربستان برای رویارویی با ایران به کمک آل‌خلیفه در بحرین جهت سرکوب شیعیان شتافت.

به‌نظرمی‌رسد که به‌دلیل فاصله گفتمانی و بسترهای منطقه‌ای رقابت دو کشور قطب‌بندی‌های ایدئولوژیکی بین دوکشور تقویت شود. موازنه‌سازی منطقه‌ای در برابر ایران و حمایت عربستان از بازیگران غیردولتی مانند داعش باعث خواهدشد که صف‌آرائی دو کشور در برابر هم تداوم پیداکند. اگرچه به‌رغم انتظار برای ایجاد دگرگونی‌های ملموس در روابط دو کشور، که بالاخص با مرگ پادشاه عربستان و به قدرت رسیدن ملک سلمان پیش آمد،اما به‌دلیل تقابل گفتمانی دو کشور، تاثیر چندانی بر بهبود روابط نخواهد گذاشت. این مسئله بویژه در تحولات یمن مشهود و بارز است.

دگرگونی‌های سیاسی در یمن در حال شکل‌دادن به نقشه سیاسی و امنیتی منطقه می‌باشد. آنچه که بحران یمن به وضوح نشان‌داد، ایجاد سطح بالایی از تنش بین ایران و جهان عرب و بالاخص عربستان سعودی بود (Cordesman,2015:p205). درواقع مقبولیت بازیگری جمهوری‌اسلامی‌ایران که بر بیداری اسلامی ملت‌های عرب حمایت و بر لزوم مبارزه با تروریست‌های تکفیری و القاعده و رژیم‌های مستبد و وابسته تاکید دارد، به‌موازات تحولات صورت گرفته در یمن افزایش می‌یافت. درگیری بازیگران غیردولتی مانند شیعیان حوثی و القاعده در تحولات یمن نشانگر طرفیت سیاسی و عملیاتی بازیگران غیردولتی می‌باشد. با وجود اینکه یمن اهمیت استراتژیک زیادی برای کشورهای حاشیه خلیج فارس ندارد، اما از اهمیت بالایی برای ثبات امنیتی عربستان سعودی و شبه الجزیره عربی برخورداراست. آنچه که تحولات یمن را برای عربستان سعودی صرفنظر از مسائل امنیتی تبدیل به مسئله‌ای استراتژیک کرده‌است، رویارویی و تقابل با گسترش نفوذ ایران می‌باشد. دورنمای تحولات این

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

کشور و ناکامی عربستان در تحقق اهداف خود در یمن، باعث افزایش پایگاه‌های نفوذ ایران و قدرت نرم آن، و زمینه‌ساز دگرگونی در نقشه سیاسی و استراتژیک کل منطقه خواهدشد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

نتیجه‌گیری

هندسه جدید قدرت در منطقه خاورمیانه بعد از تحولات بیداری اسلامی در حال شکل‌گرفتن است که از یک طرف نقش‌آفرینی بیشتری به بازیگران غیردولتی داده‌است و از طرفی دیگر این امکان را برای بازیگرانی که دارای انگاره‌های بدیل و دارای مهارت برای ورود به بازی با قواعد نوین هستند فراهم آورده تا بتوانند در شکل‌دهی به سپهر سیاسی و استراتژیک منطقه نقش اساسی ایفاکنند. در این میان، جمهوری‌اسلامی‌ایران به عنوان بازیگری که ظرفیت اصیل انگاره‌های اسلامی و در عین حال مردم–محور و توانایی ورود به بازی قدرت با قواعد جدید غیرغربی را داراست، با بهره‌گیری از گفتمان اسلام سیاسی در حال تبدیل شدن به قدرت برتر در منطقه خاورمیانه می‌باشد. تبیین‌های بالاخص فرهنگ‌گرایانه از خاورمیانه که به تعبیر نایت در جهت یک نظم جهانی هژمونیک و توجیهی برای عقلانی جلوه‌دادن برتری غرب و ارزش‌های لیبرال دموکراسی عمل می‌کنند، در نقشه جدید خاورمیانه ناکارامدی خود را با برتری گفتمان اسلام سیاسی نشان داده‌اند. شکل‌گیری امواج بیداری اسلامی در منطقه باعث شکل‌گیری قطب‌بندی‌های ایدئولوژیک علیه جمهوری‌اسلامی‌ایران شده‌است. بازیگران دولتی و فرامنطقه‌ای با بهره‌گیری از ظرفیت کنشگری بازیگران غیردولتی در صدد موازنه‌سازی علیه قدرت روبه رشد جمهوری‌اسلامی‌ایران هستند.

پیچیدگی پویش‌ها و دینامیسم‌های موجود در منطقه خاورمیانه نشان داد که صرف رویکردهای لیبرال و مدرن قادر نخواهد بود سیر حوادث را پیش‌بینی و دامنه تغییرات را مدیریت کند. همچنانکه دولت ایالات متحده، سازمان‌های ترویج آزادی، دموکراسی و اتاق‌های فکر نتوانستند تا سال ۲۰۱۰ موج بیداری اسلامی را در منطقه پیش‌بینی کنند. در فرایند گذار در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، گفتمان اسلام سیاسی در حال یافتن فرصت‌های بیشتر برای ورود به عرصه عملی می‌باشد. دراین‌میان، جمهوری‌اسلامی‌ایران که همواره رویکردهای بدیع و سنت‌شکنی در مواجهه با الگوهای مطلوب غربی و چالش‌های امنیتی و سیاسی دنبال کرده‌است، فرصت فراخی برای بسط نفوذ و تامین منافع خود خواهدداشت. تحولات اخیر سوریه و یمن نشان‌داد که چگونه محور مرتجع عربی–غربی با ترس از گسترش نفوذ ایران در برابر آن صف‌آرایی کردند.

دراین‌میان، نقش جنبش‌های اجتماعی جدید و طرح هویت‌های فروخفته که تا مدت‌ها

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

پیش، از سوی دولت‌های عمدتا عربی منطقه سرکوب می‌شدند، نقش‌آفرینی گروه‌های اجتماعی جدیدی را رقم زده‌اند که بیشتر این گروه‌های هویتی و قومی بیش از آنکه به نهادها، ساختارها و مدل‌های منسوخ و رنگ‌باخته وابسته به رژیم‌های عربی و غیرعربی محافظه‌کار منطقه وفادار باشند بیشتر نگاهشان معطوف به ایران بوده یا همسویی و همراهی منافع آنها بیشتر با ایران قرابت معنایی دارد.

گروه بسیج مردمی عراق موسوم به حشد شعبی، گروه‌ها و یگان‌های نظامی و غیرنظامی کردهای سوریه، اقلیت‌های ارمنی و دروزی و ... در جغرافیای سوریه، علوی‌ها و کردهای ترکیه، شیعیان لبنان، گروه‌های فلسطینی و ... همه و همه در حال نقش‌آفرینی هرچه بیشتر در تحولات منطقه‌ای بوده و هستند.

دورنمای تحولات منطقه و شکل‌گیری هندسه جدید آن در پرتو تحولات بیداری اسلامی، فرصت‌ها و چالش‌هایی برای بازیگران مختلف دولتی و غیردولتی فراهم آورده‌است. نیاز به چشم‌اندازی جدید احساس می‌شود تا بتواند به تبیین تحولات منطقه بپردازد. گسترش موج بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه می‌تواند شروعی برای بازاندیشی رویکردها، انگاره‌ها ،هنجارها و سیاست عملی در منطقه باشد که انقلاب‌اسلامی‌ایران از مدت‌ها پیش الهام‌بخش این حرکت و نگاه بازاندیش‌گرایانه بوده‌است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

منابع

منابع فارسی

آقامحمدی، ابراهیم(۱۳۹۰). چارچوب تحلیل ساختار-کارگزار در سیاست خارجی ایران، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ششم، شماره ٤، پاییز ۱۳۹۰.

اقبال‌لاهوری، محمد(۱۳۵۸). *اسرار خودی و رموز بی‌خودی*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

نظری، علی‌اشرف و سازمند، بهاره (۱۳۸۷).*گفتمان،هویت و انقلاب اسلامی*.تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

متقی، ابراهیم و رشاد، افسانه (۱۳۹۰).نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال نهم، شماره سی و سه، تابستان ۱۳۹۰.

درایسل،الاسدیرو جرالد اچ.بلیک(۱۳٦۹). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*،ترجمه دره میر حیدر(مهاجرانی)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

رستمی، محمدرضا(۱۳۹٤).*ناکارامدی رویکردهای سنتی در تبیین تحولات خاورمیانه: بایدها و نبایدها در سنت‌های مطالعاتی خاورمیانه*، بنیاد نخبگان نیروهای مسلح. گزارش فعالیت تحقیقاتی برای نخبگان نیروهای مسلح.

قربانی، فهمیه (۱۳۹۲) . بررسی تحولات سوریه و تاثیر آن بر روابط ترکیه: موضوع نشست گروه کشمکش و همکاری در خاورمیانه، تارنمای پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، آخرین تاریخ به روز رسانی 20/11/1393، http://fa.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/2070/.aspx

منابع انگلیسی

Akhavi,Shahrough(1987).Iran:Implementation of an Islamic State,in: Islam in Asia: Religion,Politics and Society,ed.John Esposito.New York:Oxford University Press.

Brownlee, Jason, Tarek Masoud and Andrew Reynolds (2013).Why The Modest Harvest, Journal of Democracy. Vol.24, No.4.

Cagaptay, Soner (2012)."Arab Spring heats up Kurdish issue".Jane's Islamic Affairs Analyst,March.

Cordesman, Anthony(2015)." The Changing Security Balance in the Gulf". Center for Strategic and International Studies,at:http://csis.org/program/changing-security-balance-in-the-Gulf.

Courbage, Youssef and Emmanuel Todd (2007).A Convergence of Civilizations: The Transformation of Muzlim Societies Aeound the World.New York: Columbia University Press.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

Dakroub, Hussein. January4,2012" Controversy Over al-Qaeda Presence Rages On,"The Daily Star.

Gengler, Justin J(2013).Understanding Sectarianism in the Persian Gulf,in LawrenceG. Potter(ed), Secterian Politics in the Persian Gulf.C.Hurst&Co.(Publishers) Ltd.

Goodspeed, Peter(2011).Last Updated:Nov 26,2011 available at: http://fullcomment. Nationalpost.com/2011/11/26peter-goodspeed-the-arab-spring-has-allowed-iran-to-expand-its-sphere-of-influence.

Haddad, Fanar (2013).Secterian Relations and Sunni Identity in Post-Civil War Iraq, in LawrenceG. Potter(ed),Secterian Politics in the Persian Gulf.C.Hurst& Co(Publishers) Ltd.

Hinnebusch, Raymond (2014).Historical Sociology and The Arab Spring. Mediterranean Politics.Vol.19, No.1.

Ismael, Tareq Y and Gleen E.Perry (2014).Toward a Framework for analysis.in Tareq Y Esmael and Gilenn E.Perry(eds),The International Relations of the Contemporary Middle East.Rouledge.

Lawson, Fred(2006). Constructing International Relations in the Arab World.Stanford University Press.

Lynch III,Thomas F.December 29,2008."Sunni and Shia Terrorism Difference that Matter". Combating Terrorism Center at West Point,Occasional Paper Series at:www.dtic.mil/ cgi- bin /GetTRDoc?AD=ADA492348.

Mahdavi, Mojtaba (2014).Post-Revolutionary Iran: resisting global and regional hegemony, in Tareq Y .Esmael and Gilenn E.Perry (eds), The International Relations of the Contemporary Middle East.Rouledge.

MENA-OECD INVESTMENT Programe (December2011). Socio-Economic Context and Impact the 2011 events in the Middle East and North Africa region. Available: www:oecd.org/mena/investement/491171115.pdf.

Muasher, Marwan (2014).The Second Arab Awakening and the Battle for Pluralism. Yale University Press

Nalado, D(2012).Current Global Islamic Awakening is an Offshoot of the Islamic Revolution in Iran,at:http://www.islamicmovement.org/index.php?option=com-content&view=article&id =260:current-global-islamic-awekening-is-an-offshoot-of-

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

the-islamic-revolution-in-iran-prof-yahaya&catid=41:frontpage.

North, Richard,'Common interest emerging in the Middle East',The University of Sydney News,24 August 2006. at: http://www.usyd.edu.au/news/84.html?newsstoryid=1235.

Noueihed, Lin and Alex Warren (2012).The Second Aran Awakening.Yale University Press.

Pelham, Nicholas (2008). A New Muslim Order: The Shia and The Middle East Secterian Crisis.IB.Tauris.Co.Ltd.

Rafati, Naysan (2012). After the Arab Spring: power shift in the Middle East?:Iran and the Arab Spring,available at: http://eprints.lse.ac.uk/43466/.

Reiger, Rene'(2014). In Search of Stability: Suadi Arabia and the Arab Spring.Gulf Research Center Camdridge, Paper was presented at workshop titled:Suadi Arabia and the Arab Uprising: National, Regional and Global Responses.Organized as part of the Gulf Research meeting(GRM)2013 IN Cambridge,UK.

Sariolghalam, Mahmood (2013). Transition in the Middle East: New Arab Realities and Iran, Middle East Policy.Vol.20, No.1.

Schwedler, Jillian (2001)."Islamic Identity: Myth, Menace or Mobilizer?" SAIS Review. Vol.xxi, no2, Summer. Fall.

Terill, W. Andrew(2011)."The Saudi-Iranian Rivalry and the future of Middle East Security".Strategic Studies Institute,US.Army War College.

Webster, Frank (2001).A new Politics? in Frank Webster(ed): Culture and Politics in the Information Age.Routledge.

Wehrey,Frederic(2009).Saudi-Iranian Relations Since the Fall of Saddam:Rivalry, Cooperation, and Implications for U.S. Policy, Santa Monica,CA:RAND Coporation-National Security Research Division.

Yacoubian, Mona. (2012) "Hezbollah after Assad", Foreign Affairs, at: http:// www.foreignaffairs.com /articles/136709/mona-yacoubian/Hezbollah-after-assad.04/08/2012.

به این مقاله این‌گونه استناد کنید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۱۰۷

دهشیری، محمدرضا؛ مقامی، اسماعیل (۱۳۹٤)، «بیداری اسلامی و شکل گیری هندسه جدید خاورمیانه» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۵، ش٤، زمستان ۹٤، صص ۱۵۷-۱۸۰.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]